

نام و نام خانوادگی:

به نام ایزد مهربان

املائی آموزشی درس (موش و شتر)

کلاس چهارم ()

دبستان درخشان

گل من، نادیا از مامانش املا گرفت. مامان او هم مخصوصا چندتا از کلمه ها را اشتباه نوشت. حالا از تو می خواهم متن املائی مامان نادیا را غلط یابی کنی و صحیح هر کدام را بالای آن هابنویسی.

در دل دشتی بزرگ، موشی جوان از راه می گزشت. موش جوان غصه ی ماخلاغ بسیار بدی داشت. او همیشه فکر

می کرد که بزرگ تر و غوی تر از همه ی موش های جهان است. چشم غلش کور و بسیار خودپسند و مقرر بود. او صوت

می زد و آواز می خواند که ناگاه شتری را دید و با خود اندیشید: "چه تور است که این شتر را به خانه ببرم!" شتر همراهش

شد ولی موش بی حاره خبر نداشت که او از روی مزاح دنبال او می رود و گمان می کرد او است که شتر را به دنبال خود

می کشاند. تابه گودال پر آبی رسیدند و موش ترسید و موش ترسید و شتر خندید و گفت: "تو که این همه غوی هستی، چگونه از قرغ

سدن می ترسی؟" این را گفت و داخل آب شد و به موش گفت: "دیدی طرس ندارد، آب فقط تا زانوی من است، بیا

و از آب بگذر!" موش گفت: "شتر جان می دانی این حرف چه معنی دارد؟"

باز خورد آموزگار: